

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در ۲۳ اردیبهشت ۹۹ و با هدف اصلی کاهش تعداد زندانیان در آخرین روزهای مجلس دهم به تصویب رسید. قانونی که با وجود ابلاغ و اجرایی شدن، این روزها انتقادات زیادی به آن وارد می‌شود. برخی منتقدان نحوه تصویب آن را زیر سؤال می‌برند و آن را عاری از زمان کافی برای کارهای کارشناسی دقیق می‌دانند و برخی دیگر تأکید دارند که این قانون به اهداف مورد نظرش نمی‌رسد. گروهی از منتقدان نیز معتقدند که این قانون با مبانی نظری جرم‌شناسی هیچ‌گونه سنخیتی ندارد. از طرفی موافقان این قانون بر دستاوردهای این قانون به خصوص کاهش تعداد زندانیان تأکید دارند. با هدف بررسی این طرح گفت‌وگویی را با دکتر عظیمی کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی انجام داده‌ایم که در ادامه خواهد آمد.

**پژوهش‌کننده تحقیقات راهبردی: چه عواملی باعث شده قانون‌گذار به این نتیجه برسد که نظام حقوقی کشور را به سمت مجازات‌های جایگزین حبس هدایت کند؟**

برای شروع بحث بهتر است مروری بر ماجرای حبس‌زدایی داشته باشیم. در واقع برای بازنگری در سیاست‌های تدوینی در حوزه حبس و تعیین مجازات‌های حبس ابتدا لازم است با مبانی این موضوع آشنا شویم و به این سؤال پاسخ دهیم که اصلاً پیشینه جرعه خوردن و به حرکت درآمدن این مسئله از کجا نشئت گرفته است؛ بعد برسیم به اینکه آنچه قانون‌گذار در آخرین اقدامات تدوینی خود در خصوص مجازات‌های تعزیری در پیش گرفته چیست تا بتوانیم نقد و بررسی داشته باشیم.

در مروری داشته بر قوانین کیفری کشور مشاهده می‌کنیم که جایگاه اصلی پیش‌بینی مجازات‌های حبس در مجموعه قوانین مدون ما تقریباً یک عمر صد ساله دارد. از همان ابتدا مثلاً از زمان قانون مجازات عمومی که سال ۱۳۰۴ به تصویب رسیده این تفکر و اندیشه که لازم است تخفیفاتی در اعمال مجازات حبس در نظر بگیریم پیش‌بینی شده است. می‌بینیم که قانون‌گذار به دنبال یک راهکار می‌گردد که بتواند از زندان رفتن افراد به‌ویژه در مدت‌های کوتاه جلوگیری

**۹۹ آمار زندانیان در کشور حدود دو برابر از ظرفیت زندان‌ها بیشتر است و سرانه فیزیکی لازم برای زندانیان از حد استاندارد پایین‌تر است. طبیعی است که در چنین فضایی نمی‌توان استانداردهای بهداشتی را به خوبی نسبت به زندانی اعمال کرد و برنامه بازپروری برای زندانی با مشکل مواجه می‌شود. وقتی فضای زندان برای زندانی غیرقابل تحمل باشد، حتی در بهترین حالت ممکن در ایجاد برنامه بازپروری هم، تأثیرپذیری لازم را نخواهد داشت. ۶۶**

کند؛ یعنی این اندیشه که ما باید از مجازات حبس به صورت حداقلی استفاده کنیم، مربوط به سال‌های اخیر نیست و از همان ابتدا مطرح بوده است.

در واقع مجازات حبس و زندان یکی از مهم‌ترین موضوعات در حوزه حقوق کیفری و نظام‌های دنیاست و کشورهای زیادی به سمت آن‌ها رفته‌اند؛ چون همه کشورهایی که از این‌گونه مجازات در نظام حقوقی‌شان استفاده کرده‌اند کم‌وبیش با مشکلات ناشی از اجرای مجازات حبس و زندان مواجه بودند و از همان ابتدا به محض تصویب قانون مجازات عمومی، قانون‌گذار به دنبال راهکاری می‌گردد که مجازات‌ها را کم کند.

یکی دیگر از عواملی که باعث شد قانون‌گذار از همان ابتدای تصویب قوانین مربوط به حبس به فکر کاهش این مجازات‌ها باشد، معضلات بود که کشورهای دیگر با آن مواجه بودند و کم‌وبیش وارد نظام سیاست‌گذاری ما نیز شده بود.

علاوه بر بحث‌هایی که در یک سال گذشته درباره کاهش مجازات حبس مطرح شده است در برهه‌های زمانی دیگری نیز این موضوع مطرح شده بود و در برخی از سال‌ها منجر به بازنگری در برخی از سیاست‌ها نیز شده است که به نظر نمی‌رسد نیازی به توضیح جزئیات آن باشد.

مجازات حبس از ابتدای ایجاد با دو هدف عمده صورت گرفته است: هدف اول و کلی آن پیشگیری بوده است؛ به این صورت که با ایجاد ارباب عمومی سایرین را از انجام تخلفات مشابه

باز دارد و هدف دوم از مجازات حبس بازپروری، درمان و بازگشت بزهکار به دامن اجتماع بوده است. شاهدیم که هر دوی این‌ها در زمانی که داریم به‌طور مداوم از قوانین استفاده می‌کنیم با ناتوانی و شکست مواجه شده است و به اهداف مورد نظر دست نیافته‌ایم؛ بنابراین طبیعی است که قانون‌گذار وقتی می‌بیند آنچه را که هدف بوده در مجازات برآورده نشده است به فکر می‌افتد که این رویکرد و روند را اصلاح کند. به همین جهت در اسناد بالادستی کشور مانند سند چشم‌انداز، قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام تأکید جدی بر بازنگری در سیاست‌های مربوط به مجازات حبس با ادبیات مختلف شده است. سیاست‌گذار در اسناد بالادستی بیشتر به دنبال این بوده که مجازات حبس را به سمت وسوی دیگری سوق دهد تا هم جنبه بازدارندگی مجازات از بین نرود و هم بتواند کاستی‌ها و معضلات ناشی از اجرای مجازات زندان را کاهش دهد.

آمار زندانیان در کشور حدود دو برابر از ظرفیت زندان‌ها بیشتر است و سرانه فیزیکی لازم برای زندانیان از حد استاندارد پایین‌تر است. طبیعی است که در چنین فضایی نمی‌توان استانداردهای بهداشتی را به خوبی نسبت به زندانی اعمال کرد و برنامه بازپروری برای زندانی با مشکل مواجه می‌شود. وقتی فضای زندان برای زندانی غیرقابل تحمل باشد، حتی در بهترین حالت ممکن در ایجاد برنامه بازپروری هم، تأثیرپذیری لازم را نخواهد داشت. طبق آمارها تا ۴۰ درصد کسانی که مجازات حبس را تحمل می‌کنند، دوباره بعد از آزادی‌شان مرتکب جرم و جزو بزهکاران می‌شوند؛ این نشان می‌دهد که متأسفانه هدفی که ما از مجازات زندان در نظر داشتیم موفقیت‌آمیز نبوده است.

مطابق گزارش‌ها و آمارهای مسئولین قضایی حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان به‌صورت کلی برای هر زندانی در روز هزینه می‌شود. این رقم در ماه حدود ۵ میلیون و در سال حدود ۵۰ میلیون برای هر زندانی از بودجه عمومی کشور هزینه می‌کنیم و اگر نگاه مادی صرف نسبت به بحث زندان داشته باشیم می‌بینیم که هر چه زودتر باید در این خصوص تجدیدنظر و سیاست‌های لازم را اتخاذ کرد.

در جمع‌بندی از سؤال اول باید بگویم که